

## تحلیل و واکاوی مقیاس آزادی در سبک‌های فرزندپروری

با آموزه‌های اسلامی

دکتر محمدرضا فریدونی<sup>۱</sup>

سید میثم موسویان<sup>۲</sup>

چکیده

مفهوم آزادی و نمود آن در فرزندپروری از جمله مسائل مهم در زمینه‌ی تربیت است و خواه‌ناخواه والدین با مقوله‌ی آزادی در ساحت تربیت فرزندان خود سروکار خواهند داشت. در عصر حاضر نسبت به اعطای آزادی به فرزند و این که تا چه حدی می‌توان او را در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌هایش آزاد گذاشت، اختلاف وجود دارد. سه سبک را می‌توان در این حیطة، شناسایی کرد که عبارتند از سبک آسانگرایانه، مقتدرانه و مستبدانه. مقاله‌ی حاضر بر آن است تا علاوه بر معرفی این سبک، در پرتو معارف اهل‌بیت (ع) علاوه بر حل تناقض داده‌های تجربی سبک‌های فرزندپروری در مقوله‌ی آزادی، قلمرو آزادی را بر اساس سن و مرحله رشد کودک معین نماید. روش این پژوهش بررسی اسنادی و به شیوه کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از سبک‌های نامبرده شده، شیوه‌ی خود را در دادن آزادی به شکلی ثابت به کار می‌برد و هر کدام برای اثبات خود، داده‌های تجربی متناقضی با دیگری ارائه می‌دهد. در حالیکه سبک فرزندپروری که از روایات اهل بیت و سیره‌ی پیامبر اسلام استنباط شده، یک سبک چرخشی با توجه به سن و وضعیت کودک است. با این توضیح که تا هفت سالگی سبک فرزندپروری آسانگیر و از هفت سالگی سبک فرزند پروری مستبدانه و در هفت سال سوم و شروع بلوغ، با افزایش آزادی، سبک فرزندپروری مقتدرانه، تحقق میابد. این مدل چرخشی و منعطفانه با میزان آزادی، مدلی مختص به خود را می‌سازد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، فرزند پروری، آسانگیرانه، مقتدرانه، مستبدانه، اهل بیت ع.

### 1. مقدمه

پدر و مادرها به دنبال پرورش فرزندان آزادی، مستقل و متکی به خود هستند. این هدف وقتی میسر می‌شود که خود پدر و مادرها درک درستی از مفهوم آزادی داشته باشند. (کوتمان<sup>۳</sup>، 2011). بدون شناخت از آزادی، پدر و مادر نمی‌توانند به طور موثر وظایف خویش را در قبال فرزندشان، انجام دهند. هدف اصلی

---

1. استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا ( نویسنده مسئول) Dr\_fereydooni@basu.ac.ir

2. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی Ashke\_avval22@yahoo.com

فرزندپروری، آموزش و پرورش کودک، در روندی است که مسیر تبدیل به عنوان یک انسان آزاد را تجربه کند. فرایند متحقق شدن به "انسان آزاد" لازمه‌اش یادگیری قوانینی است که درک کودک را از خود، افزایش دهد و بر این اساس، قابلیت‌های او ظهور یابد. اما تا چه حدی یادگیری باید، مستقیم یا غیر مستقیم باشد و در مسیر این یادگیری، چه میزان باید برای مربی آزادی در نظر گرفت، خود دیدگاه‌هایی را در زمینه تربیت و فرزندپروری رقم می‌زنند.

با توجه به دیدگاه مکاتب روانشناسی به یادگیری و نسبت آن با آزادی، سبک‌های فرزندپروری و نحوه تعامل با کودک متفاوت است. روانشناسان در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند وضعیت رشد عقلانی هر کودکی، از تولد تا بزرگسالی، بر روی سبک‌های فرزندپروری والدین او اثر می‌گذارد.

کوتمان در سال 2013، عوامل مختلفی را برشمرده است که بر والدین در فرزندپروری اثر می‌گذارد، مانند جنبه‌های رشد شناختی، رشد عاطفی، آمادگی تحصیلی، اختلالات خوردن، موفقیت دانشگاهی، احساس خوب بودن، استفاده از مواد مخدر (کوتمان، 2013، 24). با وجود تمام این عوامل اثر گذار، مطالعات روانشناسان در حیطه‌ی فرزندپروری در نهایت منجر به نظریه‌ای شد که "بومریند" فرزند پروری را به سه سبک تقسیم نمود، آسان‌گیر، استبدادی و اقتدار گرا (بومرید، 1967: 890) و سبک چهارمی نیز وجود دارد که مقوله‌ی آزادی را به صورت نسبی و منعطفانه، با توجه به بازه‌ی سنی فرزند، تغییر می‌دهد و ما در این مقاله اسم این سبک چهارم را سبک فرزندپروری منعطفانه می‌نامیم که با توجه به پژوهش صورت گرفته، با فرامین اهل بیت منطبق می‌باشد. اسلام برای تربیت در تمامی مراحل رشد فرزندان، تاکید فراوان دارد و آن را از جمله وظایف والدین در شمار حقوق فرزندان، می‌داند. با نگاهی به آیات قرآن و روایاتی که از پیامبر اکرم ص و اهل بیت پاکش در مورد فرزند، وارد شده، می‌توان به نگرش اسلام درباره‌ی فرزند و جایگاه فرزندان در اندیشه اسلامی دست یافت. مسئله‌ی تربیت از چنان اهمیتی برخوردار است که دعای بیست- و پنجم صحیفه‌ی سجادیه، به آن اختصاص یافته است و نیز در کتاب شریف نهج‌البلاغه، نامه‌ی سی‌ویکم، در باب اهمیت فرزندان آمده است. از نظر قرآن کریم<sup>1</sup>، فرزندان نعمت‌های الهی‌ای هستند در صورتی که در مسیر هدایت کتب آسمانی و دم قدسی انبیاء الهی قرار گیرند. اگر والدین شناخت کافی نسبت به مولفه‌های تربیت صحیح اسلامی نداشته باشند، به وظائف خود در قبال فرزندان عمل نکرده‌اند و به تعبیر پیامبر اکرم ص، از عطیه‌ای که خدا در اختیار بنده‌اش قرار داده که به منزله‌ی گلی از گلهای بهشت است، بهره نبرده‌اند «إِنَّ أَوْلَدَ الصَّالِحِ رِيْحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ»<sup>2</sup> (حرعاملی، 1367، ج: 15: 97).

## 2. سبک‌های فرزندپروری

### 1-2. فرزندپروری آسان‌گیر

<sup>1</sup> . فرقان: 74، کهف: 46، انفال: 28

<sup>2</sup> .

والدین آسانگیر ارزشها و استانداردها و قوانین را به فرزندانشان تحمیل نکرده و از تندی، تنبیه یا شیوهای سنتی استفاده نمی‌کنند. در این سبک سعی بر آن است که والدین، کنترل و تقاضا را نسبت به فرزندشان کمتر نموده و تمایلات فرزندشان را برآورده سازند. آنها در هر موفقیت فرزندشان را تشویق کرده و آنها را محترم می‌شمرند. در جهت تقویت نمودن آزادی فرزندشان، در تصمیم‌گیری آنها دخالت نکرده و آنها را ملزم به انجام تکلیفی نمی‌کنند. اینان روی محبت مثبت و بی‌قید و شرط تاکید می‌کنند. در سبک فرزندپروری آسان‌گیر، تا زمانی که فرزند از والدین کمک نخواهد، آنها در کار هدایت و تصمیم‌گیری و عکس‌العمل و رفتار بچه مداخله نمی‌کنند. پدر و مادر آسانگیر به عنوان حمایت‌گری‌ست که وقتی فرزند بخواهد و نیاز داشته باشد وارد عمل می‌شود. این شیوه‌ی فرزندپروری در مطالعات بومریند 1967، 1991 و الگرا<sup>۱</sup> 2011، و بون<sup>۲</sup> 2007، و گونزالس<sup>۳</sup> و هولبین<sup>۴</sup> 2002، بحث شده است (کوتمان، 2013: 45)

### 1-1-2. مدافعین نظریه سبک آسان‌گیر فرزندپروری

قائلین به این نظریه اعتقاد دارند که با خط‌دهی و کم کردن آزادی و توجه مشروط یا منفی، کودک از مسیر تجربه کردن و تحقق خویشتن خارج شده و به سمت ترجیح تجارب دیگران به تجربیات خود خواهد رفت و در آخر فردی می‌شود که خود را از نگاه دیگران ارزیابی می‌کند و به خاطر اهمیت ارضای نیاز به تایید شدن، شدیداً به نگرشها و رفتارهای دیگران حساس می‌شود. زیرا انسان در بازخوردی که از دیگران دریافت می‌کند (تایید یا عدم تایید آنها)، خودپنداره‌ی خود را گسترش داده و پالایش می‌کند. این گروه معتقدند: اگر فرزند در تصمیم‌گیری‌های خود با توجه به تجاربش، آزاد نباشد، فرزند تجربه‌ی خود را انکار کرده و در عوض برای جلب توجه والدین، تجربه‌ی آنها را اصل تلقی می‌کند که با ادامه‌ی این فرایند، فرزند داریم که دایم خود را از منظر دیگران ارزیابی کرده و تنها زمانی احساس خوبی به خود و توانایی‌های خود دارد که دیگران او را تایید کند و این باعث می‌شود که فرزند، اعتماد به نفس نداشته و قدرت نه گفتن را کسب نکند (اتکینسون، 1384: 118/2).

حاصل چنین موقعیتی، عدم رشد «خودارزشمندی» در فرزندان است، یعنی فرزندان تنها تحت شرایط خاصی خود را با ارزش می‌بینند (شولتز، دوان 1990: 375).

این سبک از فرزندپروری، والدین را به روش «بی‌رهنمون» تشویق می‌کند که موفقیت‌های بسیاری در درمان به دنبال آورده است. روش بی‌رهنمون یعنی دادن حداکثر آزادی در مسیر رشد و تعلیم و تربیت. در فلسفه-ی پست مدرن، اخلاق نسبی است و این روش تربیتی تعامل گسترده‌ای با این فلسفه دارد (اتکینسون،

---

1 Alegre,

2 Boon,

3 Gonzalez,

4 Holbein,

5 Quilter,

1384:119). اساس این دیدگاه، آزادی برای آموزش است. در این روش، ما نمی‌توانیم دیگران را به طور مستقیم آموزش دهیم. ما فقط می‌توانیم آموزش را تسهیل کنیم (غلامی، 1393، 1).

## 2-1-2 منتقدین سبک آسان‌گیر فرزندپروری

منتقدین این دیدگاه معتقدند، که والدین با این سبک و دادن آزادی به بچه‌ها تا این حد، اجازه می‌دهند که فرزندان، آنها را استخدام<sup>1</sup> کنند. داشتن حقوق بدون مسئولیت مسیر رشد بچه را متوقف می‌کند، چون برای شایسته شدن، شما باید در راه انجام کار، توانمند شوید. و زمانی که مجبور نباشید مسئولیت بپذیرید، مجبور نخواهید بود که به فرد مسئولی تبدیل شوید. این سبک، فرزندان را پرورش می‌دهد که از نظر توانایی‌های اجتماعی ماهر و مردم‌گرا هستند اما مشکلات رفتاری دارند و بعضاً از مدرسه چون به آن‌ها آموزش می‌دهد، خوششان نمی‌آید. (بومریند، 1967: 891).

البته ممکن است در تئوری اینطور گفته نشود اما در عمل این اتفاق خواهد افتاد، چون آنها می‌خواهند به فردیت و تلاش فرزندان و استقلال شخصی فرزندان برای ایجاد زندگی‌اش، احترام بگذارند، به آنها اجازه می‌دهند تا هر چه می‌خواهند بکنند. بنابراین از اولین سال‌های زندگی، فرزندان می‌توانند تصمیم بگیرد و هر مسیری را که می‌خواهد تجربه کند. دو اشتباه این والدین می‌کنند، اول، سوء تفاهم در مورد آزادی. دوم، آنها بچه‌هایشان را یک انسان کامل در نظر می‌گیرند که قادر است فرق بین واقعیت و هوس را بخوبی درک کند. این دو اشتباه به هم مربوط است. زمانی که فرزندان در خانه هستند ما آنها را آزاد می‌گذاریم، اما هنگامی که آنها در اجتماع هستند، به آنها اجازه داده نمی‌شود که هر کاری می‌خواهند انجام دهند. به عبارت دیگر آزادی بستگی به موقعیت دارد. در این موقعیت آزادی به حضور والدین وابسته است و آزادی واقعی نیست. به علاوه کودکان تحت فشار داده‌های حسی هستند. همان طور که روسو<sup>2</sup> (1997) اشاره کرد، درست است که انسانها تمایل به خوب بودن دارند، اما همیشه خوب، درست و واقعیت را از هم تشخیص نمی‌دهند. برای مثال، مزه‌ی شیرینی برای بچه‌ها دلچسب است. والدین آسان‌گیر به بچه اجازه می‌دهند که هر چقدر تمایل دارد شیرینی مصرف کند. این ابداع رفتار غذایی سالمی نیست. بچه چاق خواهد شد و اگر بچه به سمت بیماری برود، بیماری آزادی را از او خواهد گرفت. کودک بیمار، به محیط وابسته‌تر است تا یک کودک سالم. تحقیقات برومیند<sup>3</sup> (1991) نشان می‌دهد که نوجوانانی که در خانواده‌های آسانگیر بزرگ شده‌اند شایستگی‌های کمتری نسبت به خانواده‌های دیگر دارند. دورن بوش<sup>4</sup> و همکاران (1987) نشان دادند که رابطه‌ای بین پیشرفت تحصیلی و نوع فرزندپروری وجود دارد. نتایج آنها نشان داد که آسان‌گیر بودن والدین، همبستگی منفی با نمره دارد. در تحقیق دیگری هایکرفت و بلیست (2010) نشان دادند که نشانگان اختلال تغذیه با سبک خانوادگی آسانگرا بیشتر ارتباط دارد تا بقیه‌ی سبکها. بدین سان تحقیقات

<sup>1</sup> manipulate

<sup>2</sup> Rousseau

<sup>3</sup> Baumrind,

<sup>4</sup> Dornbush

نشان می‌دهد که فرزندان والدین آسان گیر بیشتر درگیر مصرف مواد، سیگار و الکل می‌شوند (کوتمان، 2013: 42).

منتقدین فرزندپروری آسان‌گیر معتقدند، فردیت نیاز به آموزش و رشد دارد و به همین وسیله فرزند خودکفا می‌شود. عدم رسیدن بچه‌ها به این خودکفایی می‌تواند بر روی اعتماد به نفس تاثیر منفی بگذارد. مطالعات در مورد مدرسه این ادعا را اثبات می‌کند. دانش‌آموزانی که بدون کفایت و آمادگی تحصیلی، عاطفی و صلاحیتهای اجتماعی وارد مدرسه می‌شوند، مدرسه را کمتر دوست دارند و کمتر یاد می‌گیرند. به عبارت دیگر بچه‌هایی که برای مدرسه آمادگی دارند، موفقیت‌های تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی بیشتری پیدا می‌کنند (کوتمان، 2013، 41).

خلاصه این که منتقدین فرزندپروری آسان‌گیر برعکس مدافعانش معتقدند که این نوع فرزندپروری نه تنها توجه فرد را درونی نکرده بلکه توجه او را به تایید دیگران متمایل خواهد کرد. و گروه اول باید مفهوم آزادی را دوباره بازتعریف کنند و فرزندان‌شان را برای مواجهه و چالش با کار وادارند و مسئولیت در رفتار برای فرزندان ضروری است. والدین باید چهارچوب داشته باشند و این چهارچوب به بچه‌ها کمک میکند تا به رشد مناسب دست یابند (بودرا<sup>1</sup> و لینگ<sup>2</sup>، 1996: 248).

### 3. سبک فرزند پروری مستبدانه

این سبک عبارت است از این که کنترل بر روی فرزندان به حداکثر می‌رسد و والدین در تمامی تصمیمات فرزندان خود دخالت می‌کنند. در این سبک قوانین ثابت و استانداردهایی به طور سنتی نهادینه شده است. اعمال قدرت از سوی والدین، تبعیت فرزندان را به دنبال خواهد داشت. لازم نیست که منطبق قوانین برای فرزندان، توضیح داده شود. فاصله‌ای به منظور حفظ اقتدار بین کودک و پدر و مادر وجود دارد. در حالت‌های تندرو و خشن این سبک، تنبیه هم به اجرا درمی‌آید (کوتمان، 2013: 52).

### 1-3. مدافعین سبک فرزندپروری مستبدانه

در سبک فرزندپروری مستبدانه، مقوله تنبیه، از شاخص‌های اصلی است. تنبیه در نظریات یادگیری مبتنی بر رفتارگرایی مانند نظریه‌ی «گاتری» مفید توصیف شده و تحقیقاتی تایید میکنند که نوع تنبیه و چگونگی آن اگر درست باشد، به تغییر رفتار غلط می‌انجامد.

گاتری<sup>3</sup> می‌گوید، تنبیه نه به علت ناراحتی ای که تولید میکند، بلکه به سبب اینکه نحوه ی پاسخدهی فرد را به محرک‌های محیطی تغییر می‌دهد، موثر است و آزمایشات فالر<sup>4</sup> و میلر<sup>5</sup> (1963) هم نظریات گاتری را حمایت کردند (هرگنهان<sup>1</sup> و السون<sup>2</sup>، 2005: 257).

---

1 Bodrova  
2 Leong  
3 . Gatry  
4. Fowler  
5. Miler

منتقدین این نظریه با در نظر گرفتن مطالعات کاواسیل<sup>۳</sup> و دوایل<sup>۴</sup> و مارکیوز<sup>۵</sup> در سال 2003 نشان دادند که اگر تنبیه و شیوه های منفی در تعامل با کودکان زیر هفت سال صورت بپذیرد، آنها کودکانی با «دلبستگی اجتنابی» خواهند بود و این مطالعات نشان دادند که شیوه های منفی در تعامل با فرزندان باعث میشوند که آنها در مهارت های مقابله با استرس کم مهارت تر از فرزندان باشند که والدینشان کمتر برخورد منفی می کنند. مطالعات مختلف توسط لامبرون<sup>۶</sup> و همکاران 1991، سولدو<sup>۷</sup> و هوبنر<sup>۸</sup> 2004 نشان داد که والدینی که از نوزادی عصبانیتشان را روی بچه خالی میکنند، باعث می شود که در نوجوانی از اعتماد به نفس لازم برخوردار نخواهند بود. فرزندان والدین مستبد خود را به عنوان یک فرد مفید و تصمیم گیر برای زندگی خودشان تصور نمی کنند. مطالعات متمرکز در مقاطع مختلف تحصیلی نشان داده که فرزندان خانواده هایی با برخورد منفی، انگیزه کمتری برای یادگیری داشته و برای اینکه خود را از شکست در امان دارند و برای حفظ ارزش و اعتماد به نفس، ترجیح میدهند که کمتر با کارهای چالش برانگیز روبرو شوند و در مراحل آکادمیک کمتر موفقیت کسب میکنند. این کودکان رفتار خود را توسط منبع بیرونی و نه از عوامل ذاتی مانند تمایلات شخصی کنترل میکنند. به این کودکان فرصتی برای تصمیم گیری برای خود داده نشده و در عوض فقط به اطاعت وادار شده اند (کوتمان، 2013: 64). در این سبک، نوع فرزندان، با روحیه ی خجالتی بزرگ می شوند و امکان توسعه مهارت هایی مانند تفکر انعطاف پذیر، پژوهندگی برای آنها بوجود نمی آید. به علاوه این فرزندپروری با شیوه های منفی و دستورات باعث میشود که کودکان مسئولیت اعمال خود را بردوش نکنند. و اگر کودکی احساس مسئولیت اعمال خود را برعهده نگرفت، ممکن است خود را درگیر اقدامات مختلفی کند که میتواند باعث آسیب زدن به خود و به دیگران بشود و او را به سمت بزهکاری رهنمون سازد. مشخص شده است که کودکان این والدین نرخ بالاتری از بزهکاری را تجربه می کنند (بدری<sup>۹</sup> & فارینگتون<sup>۱۰</sup>، 2000: 25).

#### 4. سبک فرزندپروری مقتدرانه

فرزندپروری مقتدرانه یعنی پدر و مادری در عین جدی بودن، مهربان و دلسوز و پاسخگو باشند که نشانه ی سلامت روان آنهاست. آنها فرزندان را به عنوان فردی منحصر به فرد می پذیرند و نه به عنوان یک بزرگسال رشد یافته و بالغ. لذا والدین در این سبک، مرزهایی روشن برای تنظیم و هدایت برای فرزندان

1. Hergenbahn

2 . Olson

3 Karavasilis

4 Doyle

5 Markiewicz

6 Lamborn

7 Suldo

8 Huebner

9 Baldry

10 Farrington

ترسیم می‌کنند. در عین حال از تنبیه و روشهای سخت انضباطی استفاده نمیکنند، بلکه سعی میکنند با مدل سازی، استدلال عقلانی، توضیح و نظارت، بچه ها را هدایت کنند (بومرید<sup>1</sup>، 1967: 891).

#### 1-4 مدافعين سبك فرزندپروري مقتدرانه

مطالعات کارواسیلی، دویل و کارکیویز، سال 2003، نشان میدهند که این سبک فرزندپروری با «دلبستگی ایمن» رابطه دارد و دانش‌آموزان با این سبک تربیت، آمادگی بیشتر تحصیلی را نسبت به بچه‌هایی با سبک تربیتی استبدادی و آسان‌گیر نشان میدهند و از نظر فعالیت‌های علمی هم موفقیت‌های بیشتری کسب میکنند و نوجوانان با این سبک پرورش مصرف مواد کمتری دارند و سرانجام، سولدو و هوبنر در سال 2004، دریافتند که نوجوانان والدین اقتدارگرا نسبت به نوجوانان والدین دیگر در اوایل و اواسط و اواخر دوران نوجوانیشان احساس رضایت بیشتری از زندگی دارند. مطالعات کوهن و همکارانش در 2008، نشان می‌دهند که دانش‌آموزان خانواده‌های اقتدرگرا، خودانگیزگی، کنجکاوی، علاقه به تحصیلی و یادگیری بیشتری دارند و علاقه دارند مسائلشان را خودشان حل کنند. و مطالعات چاس در سال 2001، میلنر و هوی، در سال 2001، نشان داد، مواجه شدن با تکالیف چالشی و تشویق با مقابله با آن، یک کودک را آزموده میکند و احساس کارآمدی را در او افزایش میدهد. این آزمودگی او را موفق‌تر میکند (کوتمان، 2013: 67).

در هر حال در هر سه سبک فرزندپروری مداخله و میزان گرفتن آزادی است که از یک نمودار بسیار زیاد تا بسیار کم خود را نشان میدهد.

کسانی که سبک فرزندپروری مقتدرانه را تنها نسخه فرزندپروری میدانند، از این نکته غفلت کرده‌اند که این نوع فرزندپروری، برای همه‌ی موقعیت‌ها، قابل اجرا نیست. به خصوص زمانی که فرزندان یک خانواده، فرزندان سخت هستند. بدین معنا که این فرزندان، بیش از آن چه به نظر می‌رسد، باعث می‌شوند که سبک فرزندپروری مقتدرانه، قابل اجرا نباشد.

#### 5. تحلیل سه سبک فرزندپروری

در نگاه اول به نظر میرسد که تحقیقات و نظریه‌ها کاملاً با هم در تناقضند اما آیا این مباحث و تحقیقات واقعاً غیر قابل جمع هستند؟ به نظر ما اینگونه نیست. اکثر تحقیقات در انتقاد از فرزندپروری آسانگیر مربوط است به این سبک تربیتی بر روی دانش‌آموزان بالای هفت سال و نوجوانان. از مطالعات انجام شده بدست آمد که، انتقادی بر فرزندپروری آسانگیرانه، در مورد نوزادان تا کودکان تا شش سال وجود ندارد. به نظر میرسد، در جمع بندی نظرات، فرزندپروری آسان‌گیرانه، با اندکی هوشیاری و ایجاد چالش و سختی در راه فرزندان، بهترین شیوه برای فرزندپروری در این سنین می‌باشد، چرا که نیازی به وجود راهنمایی مستقیم در

این سنین وجود نداشته و مطابق با نظریات مختلف و بعضاً متضاد، نه تنها فایده‌ای بر آن مترتب نیست بلکه ممکن است کودک را دچار مشکل کند. اما زمانی که وارد سنین آموزش پذیری می‌شویم و کودک هفت ساله می‌شود، تحقیقات، فرزندپروری آسانگیر را نقد کرده و نتایج تحقیقات این نوع فرزندپروری را به چالش می‌کشد. در مورد سایر سبک‌ها هم وضعیت به همین صورت است.

## 6. سبک فرزندپروری با رویکرد معارفی اهل بیت

آنچه از روایات اهل بیت ع دانسته می‌شود، این است که فرزندپروری در مکتب اهل بیت، بر اساس واقعیت محض بنا شده است. سیره‌ی علمی و عملی حضرات معصومین، بر پایه‌ی ظن و گمان و تجربه، بنا نگشته است و حتی اجتهادات شخصی و متکی به تصورات و تصدیقات فردی نیست. و از آنجایی که اهل بیت ع تجلی تام اسماء و صفات حق هستند و قلوب آن‌ها ظرف مشیت حق می‌باشد، هرآنچه در بیان و بنان آن‌ها جلوه می‌یابد، شعاعی از حق محض و واقعیت آدم و عالم می‌باشد، لذا حدیث شریف «قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا، وَاللَّهُ يَقُولُ: وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (خصیصی، ۱۴۱۹ق، ۳۵۹) و این فقره از زیارت مطلقه‌ی امام حسین ع دو شاهد مهم بر این مطلب می‌باشد.

و إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ إِلَيْكُمْ (کلینی، ج 4، 577)

این سبک در دادن آزادی، شیوه‌ای اختصاصی دارد که در سه سبک گذشته خلاصه نمی‌شود. به این معنا که در این سبک آزادی بر روی یک محور قرار گرفته و با توجه به سن فرزند، حدود آزادی تفاوت پیدا می‌کند و در واقع سبک فرزندپروری اسلامی در دادن آزادی به کودک، یک سبک تلفیقی نسبت به سن فرزند است. برای روشن شدن این بحث، بهتر است به این سوال بپردازیم که تربیت اسلامی در مورد سبک والدینی آسانگیر چه نظری دارد؟

روایات اهل بیت ع در مورد سبک فرزندپروری، سه مقطع را از هم مجزا کرده است. تعامل با فرزند در سه دوره‌ی «یک تا هفت سال»، «هفت تا چهارده» و «چهارده تا بیست و یک»، به یک میزان از آزادی برخوردار نیستند.

## 6-1 مقایس آزادی در فرزندپروری در مرحله اول، سیادت و کودکی

مقوله آزادی از مهمترین اصول تربیتی در سیره امامان معصوم علیهم السلام بوده است. آنچه از روایات ماثوره فهمیده می‌شود، این است که شایسته است، کودکان در هفت سال اول زندگی از آزادی خاصی برخوردار باشند. بهر حال کودکان از زمانی که پا به عرصه جهان هستی می‌گذارند، با بزرگترین و عالی‌ترین ارزش انسانی آشنا می‌شوند و آن آزادی است. از مولفه‌های آزادی در این مرحله، بازی کردن و بازیگوشی نمودن است.



امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «تَسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ» (کلینی، 1407 ج: 6: 51).

شایسته است کودک، حرارت و بازیگوشی کند، تا در بزرگسالی شکیبا و هوشمند گردد.

در راس تمام روایات تربیتی اهل بیت ع از حضرت رسول اکرم نقل میشود که در هفت سال اول با کودکت با احترام برخورد کن.

وَلَدٌ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ (طبرسی، 1412: 222). فرزند هفت سال آقایی میکند و در هفت سال دوم مطیع و در هفت سال سوم وزیر است.

این مطلب از حضرت صادق علیه السلام نیز بدین صورت نقل شده است:

عن ابی‌عبدالله علیه السلام: دَعُ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَ يُوَدِّبُ سَبْعًا، وَ الزِّمَّهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ لَأَخِيرُ فِيهِ؛ (کلینی، 1406 ج: 6: 46)

"کودک در 7 سال اول زندگی سرور پدر و مادر است." در سیره ی رسول الله هم این مطلب عینا قابل مشاهده است، زمانی که بچه‌ای کاری برخلاف عرف انجام میداده حضرت با محبت با او برخورد میکردند. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید بر پیامبر خدا وارد شدم در حالیکه حسنین بر پشتش سوار بودند و او می‌دوید و می‌فرمود چه خوب است شتر شما و چه خوبید شما دو برادر (مجلسی، 1403، ج: 43: 286).

محبت بی قید و شرط در سیره ی اهل بیت تا جایی پیش میرود که گاهی اوقات فرزندی را به دامن پیامبر میدادند تا ایشان دعا برایش بخواند. پیامبر با احترام به کسانش او را با آغوش باز می‌گرفت و در دامن خود می‌گذاشت، گاهی اتفاق می‌افتاد که در حین دعا خواندن، کودک خیس میکرد و پیراهن مبارک حضرت را آلوده می‌ساخت. همین که پدر میخواست عتابی بکند حضرت جلوگیری میکردند و میفرمودند با تندی و خشونت از ادرار کودک جلوگیری نکنید سپس طفل را آزاد می‌گذاشت تا طفل ادرار کند و زمانی که دعا را تمام میکردند و والدین کودک، او را می‌گرفتند کمترین آزرده‌گی و ملالت خاطر در پیامبر دیده نمی‌شد و وقتی که کسان طفل می‌رفتند پیامبر لباسشان را تطهیر میکردند (مجلسی، 1403، ج: 6: 153).

علی علیه السلام فرمودند، هر کس کودکی دارد باید در راه تربیت او خود را تا سر حد طفولیت و کودکی تنزل دهد (حرعاملی، 1367، ج: 15: 203).

پیامبر (ص) هرگز از کارهای کودکان ایراد نمی‌گرفت بلکه کار درست و کامل را به آنان یاد می‌داد و می‌فرمود: این‌گونه انجام دهید. «وَ كَانِ إِذَا أَنْكَرَ الشَّيْءَ يَقُولُ: كَذَا قَضَى» (طباطبائی، 1375: 36)

گروهی خدمت امام حسن عسگری (ع) می‌رسند. روی زانوی حضرت، بچه‌ای نشسته بود. هنگامی که حضرت خواستند پاسخ پرسش‌ها را بنویسند، کودک قلم را از دست امام کشید. آن‌گاه امام، برای اینکه بچه را ناراحت نکرده باشد، یک توپ قشنگی را در دستشان گرفتند و سپس جلوی کودک آن را رها کردند. کودک

وقتی آن توپ قشنگ را دید، قلم را رها کرد و به دنبال توپ رفت. در این هنگام حضرت مشغول نوشتن شدند. (إربلی، 1405ق: ج 2: 323، حدیث 3)

به طور خلاصه، فرزندپروری در روایات اهل بیت (ع)، سبک فرزندپروری آسانگیر را رد نکرده و به آن در سنین زیر هفت سال توصیه‌ی اکید دارد.

اسلام کودکان را در این سنین آزاد میگذارد تا هر گونه که خواستند رفتار کنند، زیرا شیوه‌ای جز این بر خلاف جبلیت کودک است (حسینی زاده، 1388: 130)

کودک در این مرحله مورد امر و نهی قرار نمی‌گیرد. در روایت است که ام خالد می‌گوید: با پدرم خدمت رسول خدا رسیدم و مشغول بازی با انگشتر ایشان شدم، پدرم با درشتی مرا از این کار نهی کرد. رسول خدا فرمود او را رها کن تا بازی کند (بخاری، 1401، ج 4: 36)

## 6-2 مقیاس آزادی در فرزندپروری در مرحله تعلیم و تادیب، هفت ساله دوم

بعد از اینکه کودک به دوران آموزش پذیری وارد می‌شود، در روایات، سبک فرزندپروری تغییر می‌کند. این نوع چرخش تا بحال در مکاتب روانشناختی بررسی نشده است و این چرخش می‌تواند تمام تناقضات ظاهری در تحقیقات ارائه شده در این مقاله را حل کند. این چرخش به این صورت است که والدینی که بخاطر سن کودک، بصورت آسانگیر با وی برخورد داشته است حال، بعد از ورود کودک به مرحله‌ی آموزش پذیری آموزش مستقیم می‌دهد. این مسئله در روایتی به وضوح از امام ششم شیعیان آمده است:

هنگامی که کودکی به سه سالگی رسید تهلیل را به او بیاموزید و او را رها کنید. هفت ماه بعد محمد رسول الله را به او بیاموزید و رها کنید، چهار ساله که شد صلوات را بیاموزید و در پنج سالگی سمت راست و چپ را بیاموزید و قبله را نشان دهید و به او بگویید سجده کند و رهایش کنید. شش سالگی فقط پیش او نماز بخوانید و رکوع و سجود یادش دهید و از هفت سالگی وضو را تعلیمش دهید و بگویید که نماز بخواند (حرعاملی، 1367، ج 15: 193).

در روایات ما از هفت ساله دوم به مرحله تکلیف پذیری و تعلیم و آداب آموزی تعبیر کرده‌اند و لازم است والدین هوشمند بر اساس نیازهای این دوره آزادی لازم و متناسب با این مرحله را در اختیار فرزندشان قرار دهند.

از پیامبر (ص) نقل است که فرمودند: «خدا رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خود کمک کند و سپس بدین گونه توضیح فرمودند که: آن چه را که کودک در قدرت خویش داشته و انجامش داده، بپذیرد و آن چه که بر کودک طاقت فرساست، مطالبه نکند و او را به گناه و طغیان و اندارد و به او دروغ نگوید و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشود. (اسلامی، 1379: 240)

امام سجاد(ع) آموزش و پرورش دینی را، از جمله بایستگی‌ها و حقوق فرزندان بر والدین می‌داند:

«و إتك مسئول عما وليته به من حسن الأدب و الدلالة على ربّه و المعونه له على طاعته، فاعمل في أمره عمل من يعلم أنّه مثاب على الإحسان إليه، معاقب على الإساءه إليه»، «و تو در برابر کسانی که عهده‌دار سرپرستی آنان هستی، در پیشگاه خداوند مسئولی که آنان را به درستی ادب کنی و به خداوند رهنمونشان باشی و راه اطاعت از خداوند را به آنان نشان دهی. پس به هوش باش که در آموزش و پرورش آنان سخت بکوشی و بدانی که بر آموزش و پرورش درست آنان پاداش و بر گمراه ساختن شان کیفر خواهی شد.» (طبرسی، 1408: 421؛ حر عاملی، 1367: ج 15: 175)

در این دوره که تربیت به صورت مستقیم، صورت میپذیرد، تنبیه بدنی و زیاده روی در سرزنش، در روایات منع شده است.

امام علی علیه السلام در زمینه نامطلوب بودن سرزنش کودکان و نوجوانان می فرمایند:

«زیاد سرزنش مکن؛ زیرا که سرزنش کینه می آورد و به دشمنی می انجامد. کسی را سرزنش نما که امید داری از بدی خود برگردد» (ری شهری، 1362، ج 1، 105)

علی علیه السلام فرمودند: «با فرزندان خود به پسندیده و مودب سخن گوئید تا او نیز به شما با احترام جواب گوید» (آمدی، 1373: 139).

علی علیه السلام می فرمایند: «پند پذیری انسان عاقل با ادب و تربیت است، چهارپایان و حیواناتند که تنها با ضرب و زدن تربیت می شوند» (همان، 1373: 236).

### 3-6 مقیاس آزادی در فرزندپروری در مرحله سوم، بلوغ و نوجوانی، وزارت و مشاورت

حال زمانی که فرزند به دوران نوجوانی و بلوغ نزدیک میشود، سبک والدین دچار چرخش شده و حیطه‌ی آزادی گسترش میابد.

امام علی علیه السلام میفرمایند: « وَكَذَلِكَ رِيحَانَتُكَ سَبْعًا، وَخَادِمُكَ سَبْعًا، ثُمَّ هُوَ عَدُوُّكَ أَوْ صَدِيقُكَ. »<sup>1</sup> (شرح ابن ابی الحدید، 1385، ج 20: 343).

در مرحله سوم که کودک اینک فرد بالغی شده و مانند مراحل قبل مطیع و اطاعت پذیر نیست، باید با ظرافت و لطافت بیشتری نوجوان را با آداب زندگی آشنا نمود و قواعد رفتار اجتماعی را به او پیشنهاد داد (اسلامی، 1379: 242).

1 كودك، هفت سال، ريحانه‌ي تو و هفت سال خادم تو و سپس يا دوستت ميشود و يا دشمنت.

والدین در این مرحله لازم است که به فرزندان خود آزادی لازم را در راستای یادگیری آداب دینی هم از آداب فردی و اجتماعی و احکام دینی و احادیث پیامبر (ص) و سایر معصومان (ع) را داده و با ظرافت فرزندان خود را با حکمتهای وحیانی و پندهای اخلاقی آشنا سازند.

پیامبر اکرم در این باره میفرماید:

«وای به حال فرزندان آخرالزمان به خاطر پدران و مادرانشان. از حضرت سوال شد، از پدران و مادران مشرکشان؟ حضرت فرمودند: خیر از پدران و مادران مومن آنها که هیچ چیز از احکام و واجبات دینی را به آنها نمی‌آموزند و اگر فرزندان چیزی آموختند، مانع آموزش فرزندان می‌شوند و از آنها در دنیا به سرمایه ناپیزی راضی‌اند، من از چنین پدرانی بیزارم و آنها از من روی گردانند» (شعیری، 1363: 106)

و علی علیه السلام میفرماید که: «آداب و رسوم زمان خود را با زور و فشار به فرزندانان تحمیل نکنید زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما افریده شده‌اند». شرح (ابن ابی الحدید، 1385، ج 20، 267). و همینطور فرمودند که: «زیاده روی در شماتت نکنید زیرا آتش لجاجت را شعله‌ور می‌سازد» (ابن شعبه حرّانی، 1369: 84).

با شروع بلوغ و فشارهای جنسی، ورود به تفکر بزرگسالانه و حس استقلال طلبی. روایات اهل بیت به والدین توصیه میکند که فرزند در نوجوانی وزیر خانواده است. به او پیشنهاد بده و از او پیشنهاد بگیر.

امام علی علیه السلام در مورد این سنین می‌فرماید:

و به مدت هفت سال دیگر مشاور و ملازم خود قرار بده. اگر در این امر موفق گشتی چه بهتر، در غیر اینصورت هیچ خیر و ثمری در او نخواهد بود (ری شهری، 1362، ج 1: 105).

در این مسیر فرد آزاد است تا برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد. او میتواند، آرام آرام که هفت ساله‌ی سوم را به اتمام می‌رساند، راهش را از خانواده جدا کند و او میتواند مشورت را بپذیرد و در خانواده بماند و یا اینکه راه دیگری را انتخاب کند. فرمایش حضرت امیر در مورد نبودن خیر و ثمر در فرزندی، به این معناست که او سرانجام ممکن است انقدر راه متفاوتی از شما پیش گیرد که حتی خیر فرزند بودن خود را نیز از شما دریغ کند و دشمن محسوب شود.

و همینطور مدلی که در قرآن کریم در مورد پسر نوح علیه السلام وجود دارد به همین صورت است. او پسرش را به سوار شدن در کشتی دعوت مینماید و اما پسر دعوت را رد میکند و راه خودش را میرود. نوح هم ممانعتی از رفتن او نمیکند و تنها برای او دست به دعا برمی‌دارد. (هود، 49 – 36)

بحث و نتیجه‌گیری

سبکهای فرزندپروری در مقیاس دادن آزادی به کودک رویه‌های گوناگونی دارند. در سبک فرزندپروری آسانگیر، نهایت آزادی را برای فرزند درخواست می‌کند و در سبک فرزند پروری مقتدرانه آموزش مستقیم و محبت را تجویز کرده و در سبک فرزندپروری مستبدانه، برخوردهای منفی را هم در آموزش مجاز می‌داند. اما آن سبک فرزندپروری که در روایات اهل بیت و سیره‌ی پیامبر اسلام استنباط شده، یک سبک چرخشی با توجه به سن و وضعیت کودک است. به این صورت که تا هفت سالگی سبک فرزندپروری آسانگیر و از هفت سالگی سبک فرزند پروری مقتدرانه و در هفت سال سوم و دوران بلوغ دوباره آزادی کمی بیشتر از هفت سال دوم وجود دارد. این مدل چرخشی و منعطفانه با میزان آزادی، مدلی مختص به خود را می‌سازد.

- آمدی، عبدالوهاب بن محمد، 1373، غرر الحکم و دررالکلم، تهران، دانشگاه تهران
- ابن اب الحديد، 1385، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، احياء الكتب العربی
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، 1369، تحف العقول، ترجمه آیت الله کمره ای، قم، اسلامیه
- اتکینسون، ریتال ال و همکاران (1384)، زمینه روانشناسی، مترجم حسن رفیعی و همکاران، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات ارجمند
- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، 1405، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت، دارالاضواء.
- اسلامی، احمد، 1379، مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و حکومت امام علی علیه السلام، مقاله اصول اساسی در پرورش اخلاقی، ص 236-270
- بخاری، محمد بن اسماعیل، 1401ق، الصحيح، بیروت، نشر دارالفکر
- حسینی زاده، سیدعلی، 1388، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، ج، 1، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حرعاملی، محمد بن حسن، 1367، وسائل الشیعه، ج، 15، تهران، چاپ اسلامی
- خصیبی، حسین بن حمدان، 1419ق، الهدایه الکبری، بیروت، ناشر البلاغ
- دوان شولتز، سیدنی الن شولتز؛ (1384) نظریه های شخصیت، مترجم: یحیی سیدمحمدی، تهران، چاپ هفتم، نشر دوارن.
- ری شهری، محمد، 1362، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- شعیری، تاج الدین، 1363، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی
- طباطبایی، محمدحسین، 1375، سنن النبی، تهران، اسلامیه.
- طبرسی، حسن بن فضل، 1412ق، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی
- غلامی، زهرا (1393)، نظریه شخصیت راجرز. پژوهشکده امام باقر (ع).

کلینی، محمدبن یعقوب، 1407، الکافی، ج4، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه

مجلسی، محمدباقر، 1403، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

هرگنهان<sup>۱</sup> و السون<sup>۲</sup> (1385)، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، مترجم، علی اکبر سیف، تهران، چاپ هفتم، نشر دوران.

Baldry, C. A., & Farrington, P. D. (2000). Bullies and delinquents: Personal characteristics and parental styles. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 10, 31-17

Baumrind, D. (1967). Effects of authoritative parental control on child behavior. *Child Development*, 38, 908-887

Belsky, J., Rha, J.-H., & Park, S.-Y. (2000). Exploring reciprocal parent and child effects in the case of child inhibition in US and Korean samples. *International Journal of Behavioral Development*, 24(3), 347-338

Bodrova, E., & Leong, J., D. (1996). *Tools of the Mind*. Prentice Hall. Columbus, Ohio.

*Kotaman, Huseyin, (2013) Freedom and Child Rearing: Critic of Parenting Practices from a New Perspective. Procedia - Social and Behavioral Sciences. Volume 82, 3 July 2013, Pages 39-5*